

حقوق بانوی عظمی را امروز در مجلس مذاکره بوده است که بایست قطع بکنند، برای این که در حمایت روس‌هاست.

شنبه ۷ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

شهرت دارد که پسرهای قوام را در شیراز هر دو را کشته‌اند.

دوشنبه ۹ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

قوام الملک فرار کرده، در قنصلگری دولت انگلیس رفته و پناهنده شده است و این مسئله خیلی به سردار اسعد و خوانین بختیاری برخورد کرده است.

سه شنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

پریشب بختیاری‌های خواستند بریزند و خانه‌های نظام‌السلطنه را بچاپند.

سه شنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

عزیزالسلطنه دختر شاه شهید که بعد از شهادت شاه متولد شده بود،

دیشب مرحوم شده.

سه شنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

وزیر داخله معلوم نیست که خواهد بود، سردار اسعد را که مجلس نپذیرفت، برای اینکه صولت الدوله قشقایی و خزعل و والی پشتکوه هم قسم و هم عهد شده‌اند که اگر از بختیاری‌ها وزیر داخله یا وزیر دیگر بشوند آن‌ها تمکین نکنند.

شنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

سردار محتشم برادر سردار جنگ حاکم اصفهان شده است.

یکشنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

پنج نفر فرنگی از ینگه دنیا خواسته بودند برای مالیه، چند روز است وارد طهران شده، در پارک مرحوم اتابک منزل دارند.

یکشنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

رفتم منزل سپهدار، عین الدوله آمد، لباس نظامی جدید پوشیده بود که مال رژیمان است، گویا یک دسته را به او ابواب جمع کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

سپهدار به نظام السلطنه فحش زیادی داده بوده است که او چه حق دارد که رئیس قشون معین بکند.

چهارشنبه ۱۸ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

سردار اسعد می‌خواسته است برود به فرنگستان، جمعی از کسبه و تجار جمع شده بودند که ما نمی‌گذاریم بروی!

یکشنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

دختر نیرالدوله را برای پسر دوم احتشام السلطنه امشب عروسی کردند.

یکشنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

امروز دختر نظام السلطنه حالیه را برای عباس میرزا پسر فرمانفرما عقد کردند.

یکشنبه ۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

عضد الدوله چند روز پیش به قدر بیست هزار تومان در عدلیه محکوم شده است، پلیس زیادی فرستاده بودند در خانه عین الدوله و خیلی افتضاح کاری کرده بودند.

دوشنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

رسول زاده که یکی از نویسنده‌های روزنامه «ایران نو» بود و رعیت روس است چند روز قبل از سپهدار بد نوشته بود، به سفارت گفته شد و او را تبعید کرده‌اند.

شنبه ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

دختر ربائی یک بختیاری!

شنبه ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

عین الدوله با عضد الدوله دعوا کرده و او را از خانه‌اش بیرون کرده است، او هم آمده است منزل امیراعظم.

یکشنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۲۹

□□□

دیروز حاجی علیقلیخان سردار اسعد به طرف فرنگستان تشریف

کتیفشان را بردند.

چهارشنبه ۲ جمادی الاخری ۱۳۲۹



ارباب شهریار می‌گفت سه نفر از معتبرترین پارسی‌ها از جانب تمام پارسی‌های هند آمده‌اند که سروگوشی به آب بدهند که آیا ایران قابل شده است که دوباره مهاجرت بکنند به ایران و پول بیاورند برای تجارت یا خیر!

چهارشنبه ۲ جمادی الاخری ۱۳۲۹



سوار شده رفتم در خانه، ناصرالملک با آقا سید علی آقا یزدی خلوت داشت. آن حوض بزرگ جلو شمس‌العماره را کوچک کرده‌اند.

یکشنبه ۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹



با موثق الدوله رفتیم در عمارت بلور که در واقع منزل شاه است و هم کلاس درس، به حضور همایونی مشرف شده، مشغول درس خواندن بودند.

یکشنبه ۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹



ماشاءالله (شاه) خیلی چاق شده‌اند، اسباب توپ بازی فراهم کرده‌اند که عصرها توپ بازی کنند برای این که لاغر بشوند.

یکشنبه ۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹



امروز دو نفر زن آمده بودند توی حیاط دربار، زیر چادرشان طپانچه هم داشته‌اند، بعد ناصرالملک وقتی که از در دیوانخانه بیرون می‌آید طوری

سوار کشیک خانه و ژاندارم ها دورش را می گیرند که کسی او را نمی تواند ببیند.

یکشنبه ۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹



کار اردبیل مغشوش است و حاکم فرار کرده است به تبریز.

سه شنبه ۸ جمادی الاخری ۱۳۲۹



معز، اخوی دیروز رفته است منزل ظهیرالاسلام که من از طرف

چهارصد نفر آمده ام که چهارهزار تومان بدهید والا شما را خواهیم کشت.

چهارشنبه ۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹



از قرار دولت روس و انگلیس پروتست کرده اند که اگر تا بیست روز

دیگر ایران را مرتب نکردید، ما محمد علی شاه را می آوریم مرتب کند.

چهارشنبه ۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹



رفتیم دروازه دوشان تپه، عصرها تمام جنده ها می روند به فرح آباد، به

قدر سی چهل درشگه! مردها هم دنبالشان این جا جمع می شوند برای تماشا!

چهارشنبه ۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹



دیروز سربازها برای خاطر مواجیشان رفته بودند قنولگری انگلیس به

عنوان تحصن. یک نفر سوار هندی کشته شده است و هفت نفر هم از سربازها.

یکشنبه ۱۳ جمادی الاخری ۱۳۲۹



سالار الدوله در «میان دو آب» مشغول استعداد جمع کردن است و به طرف مراغه می آید.

دوشنبه ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

مستشار الدوله که وزیر داخله است، حکومت ها را مشغول حراج است.

چهارشنبه ۱۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

فرنگی های ینگه دنیائی که برای مالیه آمده اند مشغول کار هستند و معاون الدوله وزیر مالیه بی کار است.

چهارشنبه ۱۶ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

دیروز سپهدار فرار کرده است به طرف فرنگستان. پدر مردم را در آورده آخرش هم فرار کرده.

جمعه ۱۸ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

علاء الدوله استعفا کرده، امان الله میرزا نایب الحکومه شده است در آذربایجان.

شنبه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

تبریزی ها گفته اند ما با کسی جنگ نداریم اگر هم سالار الدوله آمد قدمش روی چشم.

شنبه ۱۹ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

مستشار الدوله که وزیر داخله است با معاون الدوله وزیر مالیه دعوا کرده و وزیر داخله استعفا کرده است.

یکشنبه ۲۰ جمادی الاخری ۱۳۲۹



از حضور حضرت اقدس استدعا کردیم شب را از چاکران پذیرائی بفرمائید و مهمان نمایند به مطرب زنانه، شب مطرب زنانه آمدند دسته ایران خانم بد نبودند...

سه شنبه ۲۲ جمادی الاخری ۱۳۲۹



امیراعظم تغییر لباس داده است، یعنی آن فرم لباس را تغییر داده، سرداری می پوشد و خیال وزارت جنگ را دارد!

پنجشنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۹



امشب شب اول تاجگذاری پادشاه انگلیس است، سفارت انگلیس هم امشب ضیافت دارد.

پنجشنبه ۲۴ جمادی الاخری ۱۳۲۹



رشیدالسلطان خطه خراسان را قرق کرده است و رئیس نظمیه و عدلیه و سایر دوائر آن جا را گرفته زنجیر کرده است.

یکشنبه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۹



ستارخان و باقرخان رفته اند عقب سپهدار، امروز می خواسته از

«غازیان» حرکت کند، انجمن ولایتی مانع شده‌اند.

یکشنبه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

امروز در مجلس رأی داده‌اند که سپهدار به ریاست وزرائی و وزارت جنگ برقرار باشد.

یکشنبه ۲۷ جمادی الاخری ۱۳۲۹

□□□

دختر نظام الملک را برای اعزازالدوله، امروز عقد کردند.

پنجشنبه ۲ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

سپهدار در رشت است، هر چه تلگراف به او می‌کنند بیاید نمی‌آید.

یکشنبه ۵ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

مطالب سپهدار سه چیز است:

اختیار تام داشته باشد، مسئول مجلس نباشد و مسئول نیابت سلطنت باشد و اختیار پول که جان کلام اینجاست به دست خودش باشد، مجلس هم در توقیف باشد، و در واقع شاه مستقلی باشد!

یکشنبه ۵ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

عدلیه در توقیف است، سه اطاق بیش تر باز نیست، مشغول تغییر اجزاء هستند، اجزای عدلیه تا امتحان ندهند داخل عدلیه نباید بشوند.

یکشنبه ۵ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

سالارالدوله در جاف کردستان است، شهرت یافته بود که فرار کرده است ولی دروغ است.

یکشنبه ۵ رجب المرجب ۱۳۲۹



در طهران گاری گیر نمی آید، هرچه بوده سربازنشاندن بردند به طرف قزوین.

دوشنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۹



سپهدار امروز به طرف طهران حرکت کرده، پدر سوخته آن قدر حب ریاست دارد که سردرگم است!

دوشنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۹



سپهدار آمده است به قزوین، چند نفری هم از طهران رفته اند برای کشتن او.

پنجشنبه ۹ رجب المرجب ۱۳۲۹



مقصود سپهدار انفصال مجلس است که چندی در مجلس بسته باشد و او بی مودی ریاست کند.

پنجشنبه ۹ رجب المرجب ۱۳۲۹



شیراز از دیروز تا به حال بر هم خورده است، دو نفر مقصر را نظام السلطنه فرستاده بوده است بگیرند، زده اند آدم های حکومت را کشته اند.

شنبه ۱۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



صمصام السلطنه می‌گفت، محمد علی شاه وارد سرحد شده است،  
می‌گفت من هم به طرف فرنگستان فرار خواهم کرد.

شنبه ۱۱ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

امروز صبح سپهدار وارد شده است.

یکشنبه ۱۲ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

سپهدار آمده است، رستم دیدنش، سپهدار را خیلی کسل و توهم دیدم.

یکشنبه ۱۲ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

پریروز سالارالدوله با سه هزار سوار مسلح وارد کردستان شده است، با  
کمال جلال و جبروت و استقلال در کردستان است.

سه شنبه ۱۴ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

ولایات مغشوش است، نه شاهی، نه نایب السلطنه کاری، و نه وزرائی  
ایران بی صاحب است.

چهارشنبه ۱۵ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

می‌گویند اعلیحضرت محمد علی شاه دوباره به سلطنت رجعت  
خواهند فرمود تا این مملکت بیچاره و این گوسفندهای مظلوم شبانی پیدا  
کنند. آمدن شاه خیلی شهرت دارد، من هم بی اطلاع نیستم!

چهارشنبه ۱۵ رجب المرجب ۱۳۲۹

□□□

باری من به خدا راضیم که محمد علی شاه بیاید به سلطنت و با من با کمال بی مرحمتی باشد، بهتر از این وضع حالیه است که از دست هیچ کس آسودگی نداریم.

چهارشنبه ۱۵ رجب المرجب ۱۳۲۹



سالارالدوله دیروز در کردستان به سلام نشسته و به اسم اعلیحضرت محمد علی شاه خطبه خوانده و تمام مردم تبریک گفته‌اند.

جمعه ۱۷ رجب المرجب ۱۳۲۹



رفتم منزل سپهدار، وثوق الدوله و قوام السلطنه رفته بودند ولی سردار مؤید و ساعد الدوله بودند، بعد هم موتمن الملک که رئیس مجلس است آمد و قدری با سپهدار خلوت کرد.

دوشنبه ۲۰ رجب المرجب ۱۳۲۹



سالارالدوله در کردستان به سلام نشسته (به) اسم اعلیحضرت محمد علی شاه خطبه خوانده، گویا عکس شاه را هم گذاشته بوده است.

دوشنبه ۲۰ رجب المرجب ۱۳۲۹



یک تلگراف مفصلی سالارالدوله به مجلس زده است که من از طرف شاه آمده‌ام و این کار از جانب خدا بوده است.

دوشنبه ۲۰ رجب المرجب ۱۳۲۹



سپهدار اگر چه باطن‌آمیل دارد که نسل آدمی زاد را از روی زمین بردارد ولی چون عاقبت کار را خوب نمی‌بیند انکار می‌کند برای اختیارات تامه خودش!  
دوشنبه ۲۰ رجب المرجب ۱۳۲۹



از طرف مجلس به تمام بندرهای ایران تلگراف شده که هر کس با هر لباس وارد خاک ایران می‌شود او را جستجو بکنند.

دوشنبه ۲۰ رجب المرجب ۱۳۲۹



عبدالوهاب خان گفت، الان تلگرافی برای وزیر مختار روس آمده که اعلیحضرت محمد علی شاه وارد خاک ایران شده!

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



(شیرازی‌ها) یک تلگرافی به ناصرالملک کرده‌اند به قدر هزار فحش! جوابی که ناصرالملک داده است این است که: قانون اساسی به من حق این نوع مطالب را نداده است.

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



این دوازده کرور پولی که دولت ایران از دولت روس و انگلیس قرض کرده است به واسطه اغتشاش ایران سهامی که چاپ کرده بودند یک مرتبه نصف شده و دیگر برای دولت ایران پول نمی‌شود.

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



یک تلگراف هم آقای شعاع السلطنه برای جلال الدوله زده است که امروز به سلامتی و اقبال در رکاب شاهنشاه وارد خاک ایران شده‌ایم! از قرار چهار عراده توپ هم دارند.

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



رفتم حضور حضرت اقدس (نایب السلطنه) خواب بودند، از خواب بیدارشان کردم، شرح ورود اعلیحضرت همایونی را گفتم.

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



امروز صبح از وزیر خارجه سؤال کرده بودند که توی مردم شهرت دارد که محمد علی شاه می‌آید، وزیر خارجه گفته بوده است که در «وینه» است و خیلی هم وضعش بد است!

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



وزراء را در مجلس معرفی کردند، سپهدار رئیس الوزراء، صمصام السلطنه وزیر جنگ، وثوق الدوله وزیر داخله، قوام السلطنه وزیر پست و تلگراف، حکیم الملک وزیر اوقاف.

سه شنبه ۲۱ رجب المرجب ۱۳۲۹



ناصرالملک خیال دارد که اردوی قزاق خانه را ببرد به شهر و شهر را نظامی بکند.

چهارشنبه ۲۲ رجب المرجب ۱۳۲۹



سالارالدوله به خلیفه ارامنه نوشته است که: اگر مابین مسلمین و ارامنه جنگ پیش آمد و ارامنه را ایرانی‌ها قتل عام کردند بدانید که تقصیر از خودشان بوده نه ایرانی‌ها!

چهارشنبه ۲۲ رجب المرجب ۱۳۲۹



امروز (قرار است) شهر را نظامی بکنند به ریاست صمصام السلطنه که وزیر جنگ شده است. قوام السلطنه وزیر عدلیه شده است!

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



اعلامیه حکومت نظامی!

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



به قدر دوستان نفر ژاندارم و چند نفر مجاهد ارمنی رفته‌اند به صاحبقرانیه برای حفظ و حراست شاه که مبادا فرار کند و برود به سفارتی! امروز هم شاه خواسته است سوار بشود، ارمنی‌ها از او جلوگیری کرده بودند که تو نبایست سوار بشوی!

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



دسته دسته از شهر از ترس اعلان (حکومت نظامی) رو به شمیرانات می‌آیند، در زرگنده هیچ جا نیست!

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



اعلیحضرت محمد علی شاه در بیرون شهر استرآباد اردو زده‌اند،  
روایت دیگر این است که در استرآباد سلام منعقد شده است.

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



مردم خیلی متوحش هستند، از طرف شاه آن قدرها متوحش نیستند که  
از طرف پیرم و مجاهدین متوحش هستند.

پنجشنبه ۲۳ رجب المرجب ۱۳۲۹



حکومت مازندران را با استرآباد و شاهرود و بسطام به سردار محیی  
دادند که برود به جلوگیری شاه.

جمعه ۲۴ رجب المرجب ۱۳۲۹



به قدر یکصد و پنجاه نفر را حکم کردند بگیرند، یعنی سردار محیی و  
پیرم و حسینقلی خان نواب همه می‌لشان کشیده است.

شنبه ۲۵ رجب المرجب ۱۳۲۹



پلیس‌ها رو به زن‌های (مجدالدوله) بنای شلیک را می‌گذارند، دو نفر  
زن جابه جا می‌میرند، یکی هم آبتن بوده!

یکشنبه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۲۹



مجدالدوله را گرفته برده‌اند به کمیسری تجریش و حبس (کرده‌اند)، هر  
کدام از ما ها که از خاک زرگنده پیمان را بیرون بگذاریم، همین اوضاع است.

یکشنبه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۲۹



ظهیرالاسلام را هم گرفته‌اند، امام جمعه رفته بود منزل سپهدار، او گفته بود به من دخلی ندارد، کسی حکم من را نمی‌خواند.

یکشنبه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۲۹



امروز نعلن زن‌های مجدالدوله را آوردند سفارت روس، زن و بچه مجدالدوله هم تماماً آمدند سفارت روس. وزیر مختار برای کشته شدن زن‌ها خیلی متالم شده بود.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۲۹



امروز صدرالسلطنه هم فراراً آمد به شمیران.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۲۹



بیرم رفته بوده است پیش مجدالدوله که اگر بخواهی خلاص بشوی بگو زن و بچه‌هایت از سفارت بیرون بیایند.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۲۹



سفارت انگلیس یک کاغذ رسمی به ناصرالمک و یک کاغذ به وزارت خارجه نوشته که مجدالدوله مرد محترمی است، از دولت انگلیس نشان محترم دارد... بایست با او به طور عدالت رفتار بشود.

دوشنبه ۲۷ رجب المرجب ۱۳۲۹



سپهدار استعفا کرده است، گویا قبول هم شده است، صمصام السلطنه

گویا رئیس الوزراء شده است.

سه شنبه ۲۸ رجب المرجب ۱۳۲۹



سپهدار استعفا نکرده بوده است، او را معزول کرده‌اند و می‌خواسته‌اند

او را استنطاق بکنند، بلکه به دارش بزنند!

سه شنبه ۲۸ رجب المرجب ۱۳۲۹



مجدالدوله را از قراری که پیغام کرده بود خیلی اذیت می‌کنند

پنجشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۲۹



خیلی از اجزای اعلیحضرت محمد علی شاه را گرفته‌اند، امیر اعظم هم

گویا با سردار محیی می‌رود به استرآباد برای جنگ.

پنجشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۲۹



نظام السلطان گفتگو می‌کند که برود به جنگ اعلیحضرت، ولی گه

می‌خورد با هفت پشتش.

پنجشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۲۹



از قرار امروز اعلیحضرت محمد علی شاه از استرآباد رو به مازندران

حرکت فرموده‌اند.

پنجشنبه غره شعبان المعظم ۱۳۲۹



عین الدوله رفته بوده است در مجلس و گفته بوده است که من حاضرم برای کفش داری مجلس اگویا پدرسوخته را هم می خواهند حاکم آذربایجان بکنند.

پنجشنبه ۲ شعبان المعظم ۱۳۲۹



دیروز دو نفر پلیس آمده بودند توی زرگنده، قراول‌های روس آن‌ها را گرفته و حبس کرده بودند.

پنجشنبه ۲ شعبان المعظم ۱۳۲۹



امروز عفو عمومی داده‌اند، فرمانفرما هم رفته به شهر، او هم فطرت مبارکش کم تراز عین الدوله نیست.

جمعه ۲ شعبان المعظم ۱۳۲۹



تشکیل کابینه وزراء: صمصام السلطنه وزیر جنگ و ثوق الدوله وزیر امور خارجه، قوام السلطنه وزیر داخله، حکیم الملک وزیر مالیه، مشیرالدوله وزیر معارف...

پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



اعلان کردند و به در و دیوار شهر هم چسباندند که: هر کس اعلیحضرت محمد علی شاه را بکشد، مبلغ یکصد هزار تومان به او پول بدهند! این چه مجلسی است که حکم قتل از تویش در می‌آید؟

پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



دولت روس و انگلیس رسماً در باب محمد علی شاه خودشان را بی طرف کرده‌اند. در «پارلمنت» انگلیس وزیر خارجه انگلیس گفته است که به تخت نشستن اعلیحضرت محمد علی شاه ابداً به دولت انگلیس ضرری ندارد. پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



برای خراسان هم اعلیحضرت محمد علی شاه حاکم معین فرموده‌اند. پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



حیدرخان برقی که او را خواسته بودند وارد شده. در شهر مجاهد می‌گیرند. پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



اعلان کرده‌اند، از دو ساعت از شب هر کس از خانه‌اش بیرون بیاید او را دستگیر بکنند.

پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



سالارالدوله اعلان سلطنت اعلیحضرت محمد علی شاه را به تمام ولایات کرده است و اغلب جاها هم قبول کرده خوشوقت هستند.

پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



بختیاری‌ها از آمدن اعلیحضرت محمد علی شاه سردرگم هستند و نمی‌دانند صلح کنند یا جنگ.

پنجشنبه ۸ شعبان المعظم ۱۳۲۹



یک تلگرافی از قول آقایان نجف جعل کرده‌اند که حکم جهاد داده‌اند.

یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹



پیرم قشون ارمنی زیادی می‌گیرد و در بهجت آباد هم اردو زده‌اند،  
موجب زیادی هم به ارمنی‌ها می‌دهد.

یکشنبه ۱۱ شعبان المعظم ۱۳۲۹



به خیال افتاده‌اند که قزاق را سلب اسلحه بکنند، چند روز به قزاق  
التماساتوم دادند که اگر سلب اسلحه از خودتان نکنید به قوه جبریّه از شماها  
سلب اسلحه خواهیم کرد، قزاق‌ها اطراف قزاق‌خانه را سنگربندی می‌کنند.

چهارشنبه ۱۴ شعبان المعظم ۱۳۲۹



اصرار می‌کنند که سپهدار را رئیس الوزراء بکنند. برده بوده‌اند به  
گردنش بگذارند، قبول نکرده است.

پنجشنبه ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۲۹



علی‌خان سردار ارشد فتح سمنان کرده است و مسعودالملک تسلیم  
شده است.

پنجشنبه ۱۵ شعبان المعظم ۱۳۲۹



اعلی‌حضرت محمد علی شاه می‌گویند به ساری وارد شده است.

شنبه ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹

